



A Comparative Critique of Governance in Cyberspace: The Duality of Order and Conflict

Narges Shaykhalipour , PhD, Faculty of Culture and Communication of Imam Sadegh University, Tehran, Iran. Email: n26697842@gmail.com

Ebrahim Khani , Assistant Professor, Faculty of Culture and Imam Sadeq University, Tehran, Iran. Email: e.khani@isu.ac.ir

Abstract

Objective: This study examines cyberspace governance through two contrasting theoretical lenses: the Order-Based Approach, which frames cyberspace as a stabilizing force for social harmony, and the Conflict-Based Approach, which interprets it as an arena for power struggles and ideological domination. The research critically evaluates these paradigms, assesses their respective strengths and limitations, and proposes balanced governance strategies to maximize the benefits of cyberspace while minimizing its risks.

Methodology: Employing a descriptive-analytical approach, this study synthesizes data from library and digital resources. Theoretical frameworks from social sciences, media studies, and political philosophy are applied to analyze the two approaches. Key research questions include:

How do Order-Based theorists rationalize minimal regulatory intervention in cyberspace?
What core concerns do Conflict-Based theorists raise regarding cyberspace dynamics?
What hybrid governance strategies can effectively address cyberspace challenges?

Findings: Order-Based Perspective: Cyberspace functions as a “safety valve” for societal tensions, mitigates polarization by facilitating dialogue, and enables the monitoring of deviant behavior. However, it may also amplify social unrest, propagate misinformation, and reinforce ideological echo chambers.

Conflict-Based Perspective: Cyberspace is instrumentalized for surveillance capitalism, cultural hegemony, and the erosion of collective identities. Yet, this perspective tends to neglect user agency and undervalue the emancipatory potential of digital platforms.

Conclusion: The study advocates for a balanced governance framework that harmonizes regulatory measures with the protection of fundamental freedoms. Policy recommendations are structured across three levels:

Micro-Level: Implementation of parental controls and educational initiatives to foster responsible digital citizenship.

Meso-Level: Integration of media literacy programs and educator training to cultivate critical engagement with digital content.

Macro-Level: Development of indigenous digital platforms, strategic regulation of transnational tech corporations, and stringent data privacy legislation.

Ultimately, effective governance demands nuanced policies that reconcile the tension between autonomy and control, ensuring cyberspace evolves as a catalyst for societal advancement rather than fragmentation.

Keywords: Cyberspace, Order-Based Approach, Conflict-Based Approach, Social Networks, Governance.



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نقد و بررسی تطبیقی حکمرانی بر فضای مجازی در دوگانه نظم و تضاد

نرگس شیخعلی پور^۱، ابرهیم خانی^۲

چکیده

فضای مجازی به عنوان پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی، تأثیرات شگرفی بر زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع معاصر گذاشته است. با گسترش روزافزون استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، ضرورت تدوین رویکردی جامع برای مدیریت و حکمرانی بر این فضا بیش از پیش احساس می‌شود. در این میان، دو دیدگاه نظم گرا و تضاد گرا در خصوص حاکمیت بر فضای مجازی مطرح است. در این پژوهش، با روش تحلیلی توصیفی و با رویکردی انتقادی، به بررسی و مقایسه این دو دیدگاه پرداخته شد. نتایج نشان داد که سه نوع مدیریت می‌تواند حکمرانی بر فضای مجازی را اعمال کند: ۱. مدیریت در سطح خرد، خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، نقش محوری در شکل دهی به الگوهای فرهنگی و رفتاری فرزندان ایفا می‌کند؛ ۲. مدیریت در سطح نیمه کلان، مدارس به عنوان نهادهای آموزشی و تربیتی، نقش محوری در شکل دهی به گفتمان عمومی پیرامون موضوع‌های نوظهور نظیر حفاظت از داده‌ها ایفا می‌کنند. ۳. مدیریت در سطح کلان، استفاده از فناوری‌های بومی در صیانت از فضای مجازی بسیار اهمیت دارد. بستر سازی لازم جهت استفاده از موتور جست‌وجوی داخلی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی ملی از جمله عوامل مهم در این زمینه است.

واژگان کلیدی

فضای مجازی، نظم گرایان، تضادگرایان، شبکه‌های اجتماعی

مقدمه

تأثیر گسترده فضای مجازی بر الگوهای ارتباطی و سبک زندگی معاصر، ضرورت تدوین رویکردی جامع برای مدیریت این فضا را بیش از پیش آشکار ساخته است. با توجه به آمار بالای نفوذ اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در ایران و گذران قابل توجهی از زمان افراد در محیط‌های مجازی، بررسی ابعاد مختلف این پدیده از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حائز اهمیت است. بر طبق آمار موسسه نظرسنجی ایسپا، در سال ۱۴۰۳، ۸۲/۲ درصد از ایرانیان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. این آمار نشان‌دهنده این مسئله است که در کنار زیست فضای حقیقی، پدیده زیست در فضای مجازی نیز مطرح می‌گردد؛ چراکه زمان زیادی از زندگی روزمره در فضای مجازی می‌گذرد.

زیست مجازی، در چهارچوب بازتعریف ساختار اجتماعی نوین شکل می‌گیرد؛ که موجب تغییرات و دگرگونی در نظام ارزش، هویت و ارتباطات جمعی فرد خواهد شد (خجیر، خانقشلاقی، ۱۴۰۲: ۱۶۲).

درحالی‌که فضای مجازی فرصت‌های بی‌نظیری همچون دسترسی آسان به اطلاعات، تسهیل ارتباطات و گسترش تجارت الکترونیک را فراهم آورده است، چالش‌هایی نظیر نقض حریم خصوصی، انتشار اطلاعات نادرست، اعتیاد به اینترنت و انزوای اجتماعی نیز به‌عنوان تهدیدات جدی مطرح می‌باشند. لذا، مدیریت و حکمرانی بر فضای مجازی به‌منظور بهره‌برداری بهینه از مزایای آن و کاهش مخاطرات ناشی از آن، به یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران و پژوهشگران تبدیل شده است. در این پژوهش، با روش تحلیلی توصیفی و با رویکردی انتقادی، به تحلیل دیدگاه‌های مختلف در خصوص حکمرانی بر فضای مجازی پرداخته می‌شود. به‌طور خاص، دیدگاه‌های تضادگرایان که بر لزوم اعمال محدودیت‌ها و نظارت بر محتوای فضای مجازی تأکید دارند، با دیدگاه‌های نظم‌گرایان که بر آزادی بیان و عدم دخالت دولت در این فضا اصرار می‌ورزند، مقایسه و نقد شد. درنهایت، با توجه به پیچیدگی‌های موجود، راهکارهایی برای دستیابی به یک مدل حکمرانی متوازن و کارآمد در فضای مجازی پیشنهادهایی ارائه گردید.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با مدیریت و تصمیم‌گیری درباره فضای دیجیتال، مقالات چندی نوشته شده است:

علی شمس و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با «عنوان سواد رسانه‌ای؛ تکنیک مدیریت فضای مجازی» با بیان آثار مخرب استفاده از اینترنت به نقش خانواده در مدیریت فضای مجازی برای فرزندان اشاره می‌کند.

نجف پور و دیگران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «چارچوب نظری حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی» با روش کتابخانه‌ای و تحلیلی پدیدارشناسانه ضمن غور در آرای فارابی درباره مدینه فاضله چارچوب نظری برای حکمرانی فضای مجازی ارائه می‌شود.

اکبری (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان اهمیت و ضرورت مدیریت فضای مجازی، به ابعاد مدیریتی آن اشاره می‌کند. توجه به رعایت احکام و حقوق الهی در استفاده از این فناوری، توجه به خودکفایی و زمینه‌سازی برای پیشرفت در این حوزه، فرهنگ‌سازی و ترویج سواد رسانه و آگاهی‌بخشی، تبیین داشته‌ها و توان داخلی و اعتمادسازی نسبت به فناوری‌های نوین و زیرساخت‌های مشابه ایرانی، اقناع مردم و جلب اعتماد عمومی و ایجاد شبکه‌های اجتماعی جهانی با توجه به سبک زندگی اسلامی - ایرانی، از جمله زوایایی است که در مدیریت فضای مجازی باید مورد توجه قرار گیرد.

رضایی‌ها (۱۳۹۷) در تحقیق خود با نام «نقش دولت در مدیریت فضای مجازی از منظر قانون اساسی» به این نتیجه می‌رسد که: با توجه به بیان رسالت و سایل ارتباط جمعی و جلوگیری از اشاعه خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی در قانون اساسی، لزوم مدیریت و نظارت بر فضای مجازی با عنایت به نقش رسانه‌ای آن استنباط می‌شود. همچنین از اصول ۸، ۹ و ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان مبانی حقوقی مدیریت و نظارت دولت بر فضای مجازی را استنباط کرد. هرچند در مدیریت دولتی بر فضای مجازی، اعمال پالایش فضای سایبر یا فیلترینگ در مواردی لازم است ولی برای تأمین امنیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی فضای مجازی نمی‌توان به این گونه اقدامات بسنده کرد. چراکه امروزه امکان دور زدن فیلترینگ به راحتی میسر شده است.

مبانی نظری پژوهش

دوگانه نظم و تضاد یکی از مهم‌ترین دوگان‌های فلسفه علوم اجتماعی است. مفهوم نظم یک مفهوم انتزاعی است. آلن بیرو بر این باور است که نظم اجتماعی ناظر با آرامش انسجام، انتظام و اطاعت است (بیرو، ۱۳۷۵: ۳۶۸). وحدت و هماهنگی از ویژگی‌های اصلی نظم در جامعه است. در نظم اجتماعی هدف حفظ کلیت نظام

اجتماعی و اطاعت مردم از قوانین بوده تا انسجام به خطر نیفتد. به تعبیری نظم اجتماعی به معنای اطاعت تمامی اعضای یک جامعه از هنجارها و ارزش‌هایی است که قوام جامعه را تشکیل می‌دهد؛ می‌توان گفت که: نظم اجتماعی بیشتر به نظم رایجی اطلاق می‌شود که اطاعت همه را از یک نظم ارزشی رایج، به‌منظور مرجع دانستن طبقات و قشرهای ممتاز اولویت می‌بخشد (جهان‌بین و گرجی، ۱۳۹۸: ۷۷۹).

اما مفهوم تضاد، در تقابل با مفهوم نظم است. از نظر بیرس و لیتل جان، تضاد اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که مردم عمیقاً در جهان‌های اجتماعی متضاد هستند؛ کنش‌ها و نیازهایشان با یکدیگر جور نمی‌شود. وقتی این تضاد روی می‌دهد، روش مشترکی برای تعامل با آن وجود ندارد (Biers & Littlejohn, 1997: 49). لویکی، تضاد را نوعی خاص از فرایند کنش متقابل اجتماعی میان طرف‌هایی می‌داند که متقابلاً ارزش‌های منحصر به خود یا ناسازگار با یکدیگر دارند (Lewicki, 1992). تضادگرایان در تلاش‌اند قدرت نهفته در پس ظاهر را آشکار کنند. آن‌ها معتقدند، قدرت‌هایی اراده انسان را به چالش کشیده و آن را در بند گرفته است. فرد تحت نظام سلطه بوده درحالی که توهم آزادی دارد. در دیدگاه تضاد، مفهوم ایدئولوژی، سلطه، مشروع سازی و انقلاب مطرح می‌شود. درحالی که نظم‌گرایان در حال توجیه وضع موجود هستند، تضادگرایان به انتقاد و حتی براندازی شرایط موجود فکر می‌کنند. نظم‌گرایان، در هنگام برخورد با مسائل اجتماعی ریشه نظام را قبول داشته و اصلاحات را معطوف به ظاهر مسائل می‌کنند؛ اما در دیدگاه تضاد چالش و مشکل بر سر ریشه نظام اجتماعی است.

تعریف مفاهیم

فضای مجازی: از نگاه (Bell, D., 2001) فضای مجازی فقط مجموعه‌ای از سخت‌افزار نیست، بلکه مجموعه‌ای از تعاریف نمادین است که شبکه‌ای از عقاید و باورها را در قالب دادوستد بایت، ردوبدل می‌کند. درواقع نامی است که تعداد زیادی از کاربردهای امروز فناوری ارتباطی را می‌گیرد (درستانی، ۱۳۹۳: ۵۵).

حاکمیت (حکمرانی): حاکمیت در فرهنگ لغت معین به معنی سلطه، حاکم بودن و مسلط بودن است. حاکمیت در حقوق اساسی و در پهنه حقوق عمومی نیز به معنای قدرت برتر و عالی و صلاحیت اتخاذ تصمیم نهایی است که می‌تواند در آن امرونی‌کند (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۰: ۵۴). بنابراین مفهوم حاکمیت با راهبری

کردن، تصمیم‌گیری و حکمرانی همراه است. بررسی تطبیقی؛ به شناخت دو پدیدار یا دیدگاه در پرتو مقایسه بررسی تطبیقی می‌گویند؛ به عبارت دیگر «توصیف و تبیین دو ایده، رویکرد و دیدگاه و تعیین مواضع خلاف و وفاق آن‌ها» (رحمتی و طاهری، ۱۳۹۳: ۱۱۶).

روش پژوهش

در این پژوهش از رویکرد نظری استفاده شده است. روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی تحلیلی بوده و در آن جمع‌آوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری، اسناد کتابخانه‌ای و دیجیتالی انجام گردیده است. سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از:

۱. دیدگاه نظم‌گرایان درباره مسئله حاکمیت بر فضای مجازی چیست؟
۲. دیدگاه تضادگرایان درباره مسئله حاکمیت بر فضای مجازی چیست؟
۳. چه راهکارهایی برای حاکمیت بر فضای مجازی پیشنهاد می‌شود؟

۱. دیدگاه نظم‌گرایان در ارتباط با حاکمیت بر فضای مجازی

۱-۱ فضای مجازی به مثابه سوپاپ اطمینان

در این چشم‌انداز، هدف اصلی حفظ نظم اجتماعی است که می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی و رسانه‌های جمعی تسهیل گردد. بر این اساس، رسانه‌ها به عنوان سوپاپ اطمینان^۱ جامعه عمل می‌کنند؛ یعنی ابزاری پیشگیرانه برای کاهش فشارهای ناشی از نارضایتی‌های اجتماعی و جلوگیری از رسیدن آن‌ها به حد بحرانی. در مدل‌های مهندسی، زمانی که فشار داخل یک سیستم به سطح خطرناکی نزدیک می‌شود، سوپاپ اطمینان به صورت خودکار باز شده و بخشی از سیال را تخلیه کرده، بنابراین از انفجار یا خسارات جبران‌ناپذیر به سیستم جلوگیری می‌کند. این مفهوم در علوم اجتماعی نیز قابل تعمیم است: وقتی فشارهای اجتماعی ناشی از مشکلات اقتصادی، سیاسی، ازدواج به تأخیر افتاده و یا نابرابری‌های مختلف، به مرز بحرانی نزدیک می‌شوند، وجود فضایی برای بیان آزاد احساسات و نارضایتی‌ها مانند فضای مجازی می‌تواند به عنوان یک سوپاپ امنیتی عمل کند و از شکل‌گیری شورش‌ها، اعتراضات گسترده یا آشفتگی‌های اجتماعی جلوگیری کند.

نظریه‌پردازان نظام‌مدار یا طرفداران رویکرد «حفظ نظم»، فضای مجازی و

رسانه‌های جمعی را مکانیزمی امنیتی-اجتماعی می‌دانند که از طریق آن افراد قادرند نارضایتی‌ها و احساسات منفی خود را بدون ایجاد اختلال مستقیم در دستگاه‌های قدرت، تخلیه کنند. این نوع تخلیه احساسات، مانع از انباشتگی فشارهای اجتماعی شده و تعادل سیستم اجتماعی را حفظ می‌کند. از این رو، مخالفت برخی با اعمال محدودیت‌های گسترده یا فیلترینگ شدید در فضای مجازی، ناشی از باور به نقش تعدیل‌کننده و پایدارکننده این فضا در حفظ نظم عمومی است. به بیان دیگر، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان فضایی موازی و غیرمستقیم، امکان بروز غیرمستقیم نارضایتی‌ها را فراهم کرده و از این طریق اقدامات تخریبی و انقلابی در فضای واقعی را تعدیل می‌کنند.

بنابراین، در این دیدگاه، رسانه یک پدیده امنیتی-تعادلی محسوب می‌شود که از فروپاشی ساختارهای اجتماعی جلوگیری کرده و سیستم اجتماعی را در برابر شوک‌های ناگهانی ایمن می‌سازد. از این منظر، به آن اصطلاحاً «سوپاپ اعتدال» نیز گفته می‌شود. بر اساس این پارادایم، فضای مجازی دو کارکرد اساسی را محقق می‌سازد:

۱-۱-۱ تخلیه روانی-اجتماعی

نظریه کاتارسیس برای اولین بار توسط ارسطو در کتاب فن شعر بیان شده است. وی کاتارسیس را در نظریه هنر خویش وارد کرد. کاتارسیس از ریشه یونانی katharos به معنای پالوده، بی‌آلایش، منزه، تهی از خلل مشتق شده است. (کاراتی و علی پور، ۱۴۰۱: ۷۱) کاتارسیس در هنر نمایشی کاربرد بسیار دارد. به‌طور مثال فروید معتقد است: مخاطب تراژدی از طریق این گونه اینهمانی ترس قهرمان را تجربه می‌کند و وقتی فاجعه تراژیک سر می‌رسد تا حد زیادی شفقت به وجود می‌آید (یانگ، ۱۳۹۵: ۷۹) به عبارت دیگر کاتارسیس به معنای تخلیه هیجانات افراد است این هیجانات شامل مثبت، منفی، نارضایتی‌ها و تنش‌های درونی افراد نیز می‌شود. در حوزه رسانه‌شناسی و جامعه‌شناسی، کاتارسیس رسانه‌ای به نقش رسانه‌ها به ویژه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در آزادسازی احساسات منفی افراد و جلوگیری از بحران‌های اجتماعی اشاره دارد به بیان دیگر به فرآیندی گفته می‌شود که در آن افراد با استفاده از فضاهای عمومی رسانه‌ای (مانند شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، کانال‌های تلگرامی و ...) احساسات منفی، خشم، نارضایتی و اعتراضات خود را به‌صورت غیرمستقیم بروز می‌دهند. این تخلیه هیجانی موجب کاهش فشار درونی فردی و اجتماعی شده و از شکل‌گیری اعتراضات مستقیم، شورش یا بحران‌های گسترده جلوگیری می‌کند.

۱-۲-۱ تبدیل کنش اجتماعی به نمایش

گی دبورا^۱ در نظریه جامعه نمایش خود معتقد است که واقعیت زندگی انسانی به تصاویر و نمایش‌ها تبدیل شده است. در این میان روابط بین افراد نیز از حالت حقیقی خود خارج شده و از طریق تصاویر یا رسانه‌ها به شکل نمادین مبدل می‌گردد (گی دبورا، ۱۳۹۲: ۵۳). در جامعه نمایشی فضای مجازی اعتراضات و نارضایتی‌ها به صورت نمایشی بروز می‌کند. افراد احساس می‌کنند در حال مقاومت هستند، درحالی‌که تنها در فضای مجازی به صورت نمادین عمل می‌کنند. به طور مثال با هشتک‌های نمادین اعتراض خود را نشان می‌دهند.

این نوع بروز نارضایتی، از اقدام مستقیم و خشن جلوگیری می‌کند و فشارهای اجتماعی را کاهش می‌دهد. چراکه فضای مجازی به افراد اجازه می‌دهد تا احساس قدرت، شناخته شدن و تأثیرگذاری کنند. این احساس کاذب، جایگزین فشارهای واقعی زندگی می‌شود.

نقد

الف) یکی از راه‌های نقد، سنجیدن راهکار، با هدف است. آیا واقعاً همان‌طور که سوپاپ در جسم مادی اطمینان می‌آورد در انسان هم باعث اطمینان می‌شود؟! در پاسخ به این سؤال می‌توان از تجربه تاریخی دیگر کشورها کمک گرفت. رسانه در مواقع ضروری وظیفه بسیج منابع را دارد.

تئوری بسیج منابع که ریشه در تضاد دارد، حاکی از آن است که چون ناکامی و نارضایتی افراد همواره در تمامی جوامع وجود داشته است صرفاً وجود نارضایتی نمی‌تواند مشارکت در اعتراضات سیاسی و کنش جمعی را توضیح دهد؛ بلکه باید کانون توجه را بر منابع لازم برای ابزار جمعی اعتراض یا مبارزه سیاسی متمرکز نمود؛ که در وجود سازمان و ساختار فرصت‌ها نهفته است (طالبان، ۱۴۰۲: ۱۶۵).

فضای مجازی ابزار مناسب برای بسیج کردن اعتراضات است. نقش شبکه‌های اجتماعی و وبلاگ نویسان در پوشش انقلاب رنگی، پخش فیلم خودسوزی محمد بوعلیزی جوان تونس در اینترنت، انتشار تصویر جنازه خالد سعید؛ جوان مصری در یوتیوب که هر کدام بر روند تحولات سیاسی جوامع خود مؤثر بودند، شاهدی بر این مدعا است. (گیلانی و عطارزاده، ۱۳۹۱: ۱۴۹) نقش فیس‌بوک در ناآرامی‌های اسپانیا در فوریه ۲۰۱۱، شبکه اجتماعی «زون زونئو» یا تویتر کوبایی در سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ در

کوبا و شبکه اجتماعی اینستاگرام در ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ در ایران نمونه‌های دیگری از بسیج کردن اعتراضات مردمی است. پس بنابراین رسانه نمی‌تواند سوپاپ اطمینان باشد چراکه در بسیاری مواقع نقش مخرب اطمینان را ایفا می‌کند.

ب) برخی از طرفداران آزادی نسبی در فضای مجازی، با الهام از نظریه سوپاپ اطمینان^۱، استدلال می‌کنند که مشکلات اجتماعی عمیقی چون بالا بودن نرخ تورم، کمبود فرصت‌های شغلی و گرانی مسکن، باعث شده است که سن ازدواج در جامعه به تعویق بیفتد. این موضوع، به گفته آن‌ها، منجر به ایجاد تنش‌های جنسی و اختلالات رفتاری در لایه‌های مختلف جامعه به‌ویژه جوانان و نوجوانان شود در این دیدگاه، فضای مجازی به‌عنوان یک سوپاپ اطمینان عمل می‌کند؛ یعنی افراد ناراضی یا دچار فشارهای روانی، می‌توانند از طریق دسترسی آزاد به تصاویر و محتوای جذاب یا حتی مستهجن، هیجانات خود را تخلیه کنند و این امر از وقوع اعتراضات فیزیکی یا بروز اختلالات اجتماعی جدی جلوگیری می‌کند.

اما این دیدگاه نیازمند تأمل بیشتری است. اگر مبنای استدلال این باشد که آزادی فضای مجازی تنها به‌منظور مشغول کردن ذهن افراد و حفظ نظم اجتماعی مورد قبول قرار گیرد، پس باید پذیرفت که هر نوع فعالیتی که بتواند فشارهای اجتماعی را کاهش دهد چه آن‌هایی که از نظر اخلاقی یا فرهنگی غیرقابل قبول هستند نیز می‌تواند به‌عنوان یک سوپاپ اطمینان مطرح شود.

به عبارت دیگر، اگر هدف حفظ نظم اجتماعی باشد، چرا مشروعیت بخشیدن به شراب، قمار و فعالیت‌های جنسی غیراخلاقی نیز به‌عنوان ابزارهایی برای مشغول کردن افراد و کاهش فشارهای اجتماعی، نباید مورد توجه قرار گیرد؟ آیا این اقدامات نیز نمی‌توانند از بروز اعتراضات گسترده جلوگیری کنند؟

این خط استدلال، درواقع، بازتابی از چارچوب توجیه وسیله به هدف است؛ یعنی این باور که هدف (حفظ نظم) می‌تواند وسیله (استفاده از روش‌های غیراخلاقی یا غیرمعنوی) را توجیه کند؛ اما این دیدگاه در تضاد صریح با ارزش‌های انسانی، اخلاقی و معنوی قرار دارد. در بسیاری از نظام‌های ارزشی به‌ویژه در اسلام و دیگر ادیان الهی واضح است که نه‌تنها هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند، بلکه هدف و وسیله هر دو باید از اعتبار اخلاقی و معنوی لازم برخوردار باشند.

بنابراین، باید تأکید کرد که حفاظت از نظم اجتماعی نباید به قیمت تضعیف

بنیان‌های اخلاقی، معنوی و فرهنگی جامعه صورت گیرد. درواقع، هدف و وسیله باید در تطابق با مصالح عامه، ارزش‌های انسانی و اهداف الهی باشند تا این تطبیق، ضمانت لازم را برای توسعه متوازن و پایدار اجتماعی فراهم کند و به هیچ وجه به انسان و فرد زیان نرساند.

ج) آزادی بی‌قید و شرط فضای مجازی به بهانه حفظ نظم، موافق با انسان‌شناسی حکومت دینی نمی‌باشد. انسان دارای دو ساحت بوده، روح و ساحت الهی انسان حاکم بر ساحت جسم است. انسان موجودی برگزیده از سوی خداست به این معنا که او خلیفه خدا بر روی زمین است. خداوند انسان را موجودی کمال طلب آفریده و بر این اساس، هدفی ارزشمند در خلقت او داشته است. انسان باید در جهت رسیدن به کمال تلاش کند و راه رسیدن به آن و شکوفایی استعدادش از طریق جامعه است. اکنون در صورتی که یک حکومت داعیه دینی بودن را دارد لازم است که این مبانی را به بهترین شکل مورد توجه قرار دهد؛ و قانون‌گذاری، حاکمیت و سیاست ورزی را بر پایه این بنیان‌های انسان‌شناختی سامان دهد. (حسینی قلعه بهمن، ۱۴۰۲: ۱۵۵) در حکومت دینی هدف بالا رفتن عاملیت هر فرد و به فعلیت رساندن توانایی انسان است. آزادی بدون شرط فضای مجازی به بهانه جلوگیری از فعالیت اعتراضی افراد در جامعه عاملیت را کاهش می‌دهد؛ که این مسئله با نگاه انسان‌شناسی توحیدی در تضاد است.

۱-۲ فضای مجازی به مثابه زهکش

زهکش، یکی از عناصر کلیدی در مدیریت منابع آب و خاک در حوزه کشاورزی است. عملکرد این سازه به این ترتیب است که با دفع آب اضافی موجود در لایه‌های زیرین خاک، از رخ دادن شرایط بی‌هوای جلوگیری کرده و شرایط مناسب برای تهویه خاک و رشد مناسب گیاهان را فراهم می‌کند. همچنین، استفاده از لایه‌های فیلتری نظیر ژئوتکستایل در ساختار زهکش‌ها، نقش مهمی در جداسازی ذرات معلق و آلاینده‌های موجود در آب اضافی ایفا می‌کند و به بهبود کیفیت آب خروجی کمک می‌کند.

در حوزه علوم اجتماعی و با توجه به رویکردهای نظام‌مدار^۱، فضای مجازی می‌تواند به عنوان زهکش اجتماعی عمل کند. این مفهوم اشاره دارد به نقش پیشگیرانه و تعدیل‌کننده فضای مجازی در شناسایی و کنترل رفتارهای غیرمجاز، انحرافی یا مجرمانه در جامعه.

در هر جامعه‌ای، وجود انواع رفتارهای انحرافی، جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی یک

واقعیت است. شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان فضایی عمومی و قابل دسترس، این امکان را فراهم می‌کنند که افراد با رفتارهای غیرمجاز نیز به‌صورت نسبتاً آزاد عمل کنند و گاهی از اقدامات خود تصاویر و مستنداتی منتشر کنند. این موضوع از منظر مقامات نظارتی و امنیتی، فرصتی است که امکان شناسایی افراد، ردیابی الگوهای رفتاری و پیشگیری از وقوع جرائم بیشتر را فراهم می‌کند؛ بنابراین، محدود کردن دسترسی افراد به فضای مجازی از طریق فیلترینگ گسترده و مسدودسازی شبکه‌های اجتماعی، ممکن است منجر به انتقال این فعالیت‌ها به فضاها یا زیرزمینی و غیرقابل کنترل شود. این امر دقت و مؤثر بودن عملیات نظارتی و امنیتی را کاهش داده و احتمال وقوع بزهکاری‌های گسترده‌تر را افزایش می‌دهد.

این نوع استدلال در میان برخی از مقامات مسئول در جمهوری اسلامی ایران نیز مشهود است. برخی از مسئولان، از آزادی نسبی فضای مجازی و مخالفت با فیلترینگ گسترده حمایت می‌کنند؛ زیرا آن را به‌عنوان ابزاری استراتژیک برای جمع‌آوری اطلاعات، شناسایی افراد در معرض خطر و پیشگیری از بروز آشفتگی اجتماعی می‌دانند. این دیدگاه، تطبیق عملکرد فضای مجازی با مفهوم زهکش را در سطح ساختارهای اجتماعی، علمی و کاربردی به‌خوبی نشان می‌دهد.

نقد

الف) امکان استفاده از فضای مجازی به‌عنوان ابزاری برای رصد و شناسایی مجرمان و عناصر خطرناک جامعه وجود دارد؛ اما لازم است در کنار این ظرفیت، تأثیر فضای مجازی در تشکیل، گسترش و تثبیت ایدئولوژی‌های خاص نیز موردتوجه قرار گیرد. فضای مجازی تنها یک محیط ارتباطی نیست، بلکه عاملی مؤثر در فرهنگ‌سازی و تربیت مجازی نیز محسوب می‌شود. افرادی که در صفحات شخصی یا عمومی خود فعالیت‌های منفی دارند، درواقع در حال ترویج جریان‌های فکری و ایدئولوژیکی هستند که می‌توانند بر ذهنیت طیف گسترده‌ای از کاربران تأثیر بگذارند. این امر به معنای وجود یک فرآیند غیررسمی آموزش-تبلیغی در فضای مجازی است؛ فرآیندی که بدون نظارت مستقیم نظام‌های آموزشی یا فرهنگی، می‌تواند شکل‌دهنده اعتقادات، باورها و رفتارهای اجتماعی باشد.

حال سؤال اساسی این است:

اگر چنین فردی به‌عنوان مجرم یا مظنون شناسایی شود، آیا امکان کنترل یا از بین

بردن تفکر و ایدئولوژی او از ذهن کاربران فضای مجازی نیز وجود دارد؟ آیا می‌توان تفکر و فرهنگی که فضای مجازی در جامعه رواج داده است را به‌مانند یک ناخالصی از ذهن عمومی پاک کرد؟ مسلماً از بین بردن عقیده و تفکری که فضای مجازی در جامعه رواج داده است بسیار سخت و بعضاً ناممکن است. به عبارتی ضرر آزادی بدون محدودیت فضای مجازی بیشتر از نفع آن است.

ب) عدم محافظت از داده در فضای مجازی نوع دیگری از جرائم را، با عنوان جرائم سایبری به وجود آورده است. مطابق با آمار پلیس فتا، از سال ۹۰ تا ۹۷ جرائم سایبری ۹۰۰ درصد رشد داشته است از سال ۹۴ با حضور بومیان دیجیتالی در شبکه‌های اجتماعی رشد جرائم مزاحمت محور و منافی عفت بیش از دیگر جرائم رشد داشته است (حاجی ده‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۸: ۴۶). بنابراین یکی از نتایج رهایی فضای مجازی، برهم خوردن امنیت روانی مردم جامعه است. ج) آزادی گسترده و ناشناس بودن در فضای مجازی، منجر به کاهش احساس مسئولیت فردی و اجتماعی در کاربران می‌شود. این پدیده را می‌توان در چارچوب نظریه کاهش هویت اجتماعی^۱ توضیح داد: نظریه‌ای که بر نقش ناشناسی و کاهش پایبندی به قواعد اجتماعی در رفتارهای غیرمعمول یا ضداجتماعی تأکید دارد (Le Bon, G. 1895).

در محیط‌های مجازی، عدم وجود شناسایی صریح هویت فردی و فاصله فیزیکی با عواقب مستقیم عمل، افراد را قادر می‌سازد تا با کمترین احساس مقاومت اجتماعی و یا پشیمانی شخصی، رفتارهایی خلاف اخلاق یا قانون را انجام دهند. این وضعیت، زمینه‌ساز رفتارهایی است که در فضای واقعی اقدام به آن‌ها سخت‌تر یا غیرممکن است؛ بنابراین، گرچه آزادی فضای مجازی می‌تواند در کوتاه‌مدت به‌عنوان ابزاری مؤثر در شناسایی مجرمان و ردیابی الگوهای رفتاری انحرافی عمل کند، اما در بلندمدت، در صورت عدم وجود نظام نظارتی و قانونی مناسب، خود می‌تواند به عنصری تشدیدکننده ناهنجاری‌ها و رفتارهای جرمی تبدیل شود.

این دوگانگی نشان می‌دهد که تعادل بین آزادی، نظارت و مسئولیت‌پذیری در فضای مجازی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در مدیریت اجتماعی و فرهنگی این فضا است؛ زیرا بدون چنین تعادلی، آزادی می‌تواند به زمینه‌سازی برای گسترش رفتارهای ضداجتماعی منجر شود.

۱-۳ فضای تعامل قطب‌های مخالف

در جوامع گرایش، عقاید و تفکرات مختلفی وجود دارد. محدود کردن رسانه و فضای مجازی باعث شده زمینه برقراری ارتباط بین گروه‌های مختلف از بین رفته؛ و طرفین با عقاید یکدیگر آشنا نشوند. چنانچه این افراد در فضای حقیقی با یکدیگر برخورد کنند تحمل شنیدن عقیده مخالف خود را نداشته و ممکن است باعث بروز خشونت شود. که این مسئله به نوبه خود افراد را در مقابل یکدیگر قرار داده و قطبیدگی اجتماعی را رقم می‌زند.

مارک زاکربرگ، خالق شبکه اجتماعی فیسبوک معتقد است که: «در هنگام انجام کار و یادگیری انسان با گرایش‌های و نظرات سایرین پیشرفت می‌کند با فضای مجازی هر ساله بخش‌های مختلف دنیا بیش از پیش به یکدیگر متصل می‌شوند و این رویکردی بسیار مثبت به شمار می‌رود. با این حال هنوز بعضاً جنبش‌هایی وجود دارند که می‌خواهند ارتباطات دوستانه را از بین ببرند.» در این دیدگاه فضای مجازی از قطبیدگی اجتماعی جلوگیری کرده، چراکه اعضای جامعه با عقاید مختلف با یکدیگر در بستر رسانه برخورد می‌کنند.

قطبیدگی اجتماعی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن جامعه به دو یا چند گروه با دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و منافع کاملاً متضاد تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی باعث ایجاد شکاف عمیق بین گروه‌ها شده و تعاملات اجتماعی را دشوار می‌کند. (Bishob, ۲۰۰۸) دوقطبی شدن اجتماعی، پیامدهای منفی مانند کاهش اعتماد عمومی در جامعه، از بین رفتن هویت جمعی و انسجام اجتماعی، افزایش تنش و درگیری در جامعه را دارد. اما نظم‌گرایان معتقدند با فراگیری فضای مجازی تعاملات اجتماعی تسهیل شده؛ چراکه افراد با عقاید مخالف خویش نیز در جامعه آشنا می‌شوند؛ بنابراین محدودیت در فضای مجازی ممکن است تعامل افراد را مخدوش کرده و به افزایش تنش در فضای حقیقی و در نهایت به دوقطبی شدن منجر شود.

نقد

الف) در این نگاه فضای مجازی مانع دوقطبی شدن اجتماعی شده چراکه بستر مناسبی برای تعامل افراد با گرایش‌های مخالف و حفظ نظم است. اما در این دیدگاه نظم‌گرا، مسئله فیلترینگ حسابی مورد غفلت واقع شده است. بدین صورت که فضای مجازی با شناسایی علایق، گرایش‌ها و تفکرات فرد، شخص را در درون حباب فرهنگی و ایدئولوژی خود قرار می‌دهد. در این هنگام

فرد کمتر در معرض دیدگاه‌های متضاد فکری قرار گرفته و به افزایش قطبیدگی اجتماعی و رادیکالیزه کردن گروه‌ها منجر می‌شود.

ب) انتشار اخبار نادرست و جعلی یکی از مهم‌ترین چالش‌های فضای مجازی در عصر دیجیتال محسوب می‌شود که نقش قابل توجهی در ترویج بی‌اعتمادی، کینه‌پراکنی و تشدید تنش‌های اجتماعی ایفا می‌کند. این نوع محتوا با هدف‌گیری هویت‌های گوناگون فرهنگی، قومی و سیاسی، می‌تواند زمینه را برای ایجاد تفرقه، تضعیف انسجام اجتماعی و اخلال در هویت ملی فراهم آورند.

با توجه به پیامدهای منفی این پدیده، ضرورت دارد سازوکارهای نظارتی و نظارتی-پیشگیرانه مناسبی در سطح ملی و زیرساخت‌های دیجیتال اعمال شود تا انتشار و گسترش اخبار نادرست و شایعات مخرب کنترل شده و تحت نظارت قرار گیرد. این رویکرد می‌تواند به حفظ ثبات اجتماعی، تقویت اعتماد عمومی و صیانت از ارزش‌های مشترک ملی کمک کند.

ج) کاهش فضای تعامل حضوری و کاهش فرصت‌های برقراری ارتباط مستقیم بین گروه‌های مختلف جامعه، میزان همدلی و درک متقابل را کاهش داده است. علاوه بر این، عدم نمایان شدن جنبه‌های واقعی شخصیت و نگرش افراد در فضای غیرحضوری (مانند فضای مجازی)، زمینه را برای سوءتفاهم‌ها و تفسیرهای اشتباه افزایش داده و ممکن است منجر به تشدید تنش‌های بین فردی و گروهی شود. این وضعیت می‌تواند به تضعیف انسجام اجتماعی و افزایش قطبیت‌های فرهنگی و دیدگاهی منجر شود.

۲- دیدگاه تضادگرایان در ارتباط با فضای مجازی

در چارچوب نظریه‌های تضادگرا (کنشگرایی ساختاری یا دیدگاه تضاد اجتماعی)، فضای مجازی به عنوان یک ساختار اجتماعی پویا، نه تنها حامل فرصت‌های ارتباطی و شناختی است، بلکه منبع بروز تضادها، کنترل‌های نهفته و آسیب‌های چندبعدی نیز محسوب می‌شود. این دیدگاه فضای مجازی را محیطی مخرب، غیرآزاد و تحت کنترل قلمداد می‌کند که ضمن القاء توهم آزادی در فرد، در عمل هویت، شعور، توانمندی تحلیلی و خودمختاری او را زیر سؤال می‌برد. فضای مجازی از دید تضادگرایان، بستری برای تحقق قدرت‌های ساختاری است که از طریق کنترل جریان اطلاعات، الگوهای رفتاری و حتی نحوه تولید دانش، شکل‌دهنده بازنمایی‌های اجتماعی و فرهنگی است.

سه مدل تنازع و تضاد در عرصه فضای مجازی می‌توان یافت:

۲-۱ عرصه تنازع بین گروه‌های اجتماعی

فضای مجازی به عنوان یک صحنه عمومی دیجیتال، محل تلاقی گروه‌هایی با منافع، ارزش‌ها و دیدگاه‌های متضاد است. این تقابلات می‌تواند منجر به شکل‌گیری شبکه‌های همبستگی، تشکیل گروه‌های فشار اجتماعی، ایجاد جنبش‌های اعتراضی یا حتی بروز درگیری‌های دیجیتالی (مثل سایبر جنگ‌های ایدئولوژیک) شود. در این میان، ابزارهای دیجیتالی از سوی گروه‌های ضعیف‌تر به عنوان راهکاری برای مقابله با قدرت‌های سنتی استفاده می‌شوند، اما هم‌زمان خود در معرض سوءاستفاده و سانسور قرار می‌گیرند.

لنیر از جمله کسانی است که عقیده دارد، شبکه‌های مجازی باعث تخریب روانی و اجتماعی می‌شود. او به‌طور خاص از حذف شبکه‌های اجتماعی دفاع می‌کند چراکه انسان در آن تبدیل به ماشین‌های داده‌پرداز می‌شود (Lanier, 2018: 76-97).

۲-۲ فضای مجازی صحنه رقابتی بین قدرت‌ها

فضای مجازی صحنه رقابتی بین بازیگران مختلفی است: شرکت‌های فناوری (مانند Meta, Google, Microsoft)، دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و کاربران عادی. این رقابت شامل کسب نفوذ در حوزه‌هایی مانند مدیریت داده‌ها، کنترل پهنای باند، تعیین معیارهای اخلاقی در هوش مصنوعی و همچنین سیطره بر زیرساخت‌های دیجیتال است. به عنوان مثال، ظهور فناوری‌های هوش مصنوعی مانند دیپ سیک یا ChatGPT، زمینه رقابتی بین کشورهای صاحب فناوری (به ویژه غرب و چین) را شدت بخشیده است. این پدیده نه تنها نشان‌دهنده جنگ فناوری است، بلکه انعکاس‌دهنده تغییر در موازنه قدرت جهانی و لزوم بازنگری در استراتژی‌های ملی و بین‌المللی است. مسئله دیگری که در دیدگاه تضادگرایان در ارتباط با فضای مجازی مطرح می‌شود، سرمایه‌داری نظارتی است. این اصطلاح توسط «شوشانا زوبوف» برای اولین بار به کار گرفته شد. سرمایه‌داری نظارتی نوعی نظم نوین اقتصادی است که در آن تجربه‌های انسانی و اطلاعات فردی، حکم مواد اولیه برای سودآوری فرایندهای تجاری را دارند. این سرمایه‌داری کالاها و خدمات را با هدف اصلاح رفتار انسان‌ها برای کسب سود بیشتر تولید می‌کند و به این ترتیب برای سرشت و حقوق شخصی آدمی تهدیدی جدی محسوب می‌شود. از ویژگی‌های این سرمایه‌داری تمرکز فزاینده‌ی ثروت، دانش و قدرت در دست غول‌های فناوری از جمله شرکت‌های گوگل و مایکروسافت است. به اعتقاد

شوشانا زوبوف، همان‌طور که سرمایه‌داری صنعتی محیط زیست و طبیعت را تخریب کرد، سرمایه‌داری نظارتی به تخریب درون آدمی می‌پردازد و با سلب حقوق بنیادین انسان‌ها مانعی بزرگ بر سر راه دموکراسی محسوب می‌شود. علاوه بر این، نویسنده دانشمندان استخدام شده در شرکت‌های خصوصی، ماشین‌های یادگیری خصوصی آن‌ها و منافع اقتصادی سرمایه‌داران را ذیل عنوان روحانیت نوین نام‌گذاری می‌کند (شوشانا زوبوف، ۱۴۰۳: ۱۵). کتاب عصر سرمایه‌داری نظارتی، این سیستم جدید را کودتایی از بالا می‌داند که منجر به براندازی قدرت مردم شده است و به دنبال تسلط کامل بر جامعه است. زیرساخت‌های این سرمایه‌داری نظارتی از نظم نوین هوش مصنوعی و رشد بی‌سابقه‌ی فناوری‌های دیجیتال است.

۳-۲. صحنه تنازع بین ارزش‌ها و هنجارها

فضای مجازی، فضایی برای برخورد مستقیم ارزش‌ها و هنجارهای مختلف فرهنگی، سیاسی و دینی است. این تضاد در قالب گفتمان‌های رقیب و تبلیغات ضدّ نظام‌های ایدئولوژیک ظاهر می‌شود. به عنوان مثال، ترویج گفتمان اسلام‌هراسی در فضای مجازی نمونه‌ای از استفاده از این فضا به منظور تضعیف هویت‌های فرهنگی و دینی در جوامع غیرغربی است. این موضوع، تأثیر قدرت‌های غالب در شکل‌دهی به نمایه‌های فرهنگی و ارزشی جهانی را نشان می‌دهد. از منظر نظریه تضاد اجتماعی، فضای مجازی با ایجاد یک محیط غیرمحلی و بدون مرز، هویت‌های محلی، فرهنگی، قومی و دینی را تحت فشار قرار می‌دهد. این فضا به دلیل عدم وجود پایداری در تعاملات و وابستگی زیاد به الگوهای جهانی و مصرفی، باعث متزلزل شدن هویت فردی و جمعی می‌شود. در این چارچوب، فرد به جای اینکه در قالب گروه‌های معنادار و با ثبات اجتماعی شکل بگیرد، در معرض تأثیراتی قرار می‌گیرد که هویت او را ناپایدار و شناور می‌کند. این تحول می‌تواند به صورت تمثیلی این گونه برجسته شود: «فرد اصیل و هویت‌دار (انسان درختی)، در فضای مجازی به موجودی بی‌هویت و شناور (انسان بوته‌ای) تبدیل می‌شود»

شبکه‌های اجتماعی همچنین عموماً به تقلیل سرمایه اجتماعی، انزوا و بریدگی از مشارکت‌های محسوس و عینی، تغییر روابط از اجتماعات آشنا به اجتماعات شبکه‌ای، قطعه‌قطعه شدن افراطی سلیقه‌ها در نتیجه توده وارسازی می‌انجامد (Ellison, 2007: 212). در نتیجه تضادگرایانی مانند هرمان و چامسکی (۱۹۸۸) معتقدند: رسانه‌ها در جوامع سرمایه‌داری نه تنها به عنوان ابزار اطلاع‌رسانی بی‌طرف عمل نمی‌کنند، بلکه در خدمت

تقویت ساختارهای قدرت و بازتولید هژمونی فرهنگی هستند. آن‌ها با ایجاد یک چارچوب خبری خاص، افکار عمومی را در جهت منافع گروه‌های نخبه هدایت می‌کنند و از به چالش کشیدن این منافع جلوگیری می‌کنند و این مسئله ضرورت برخورد انتقادی با رسانه‌ها را برجسته می‌سازد. راهکار مهمی که آنان برای این موضوع ارائه می‌کنند، محدودیت‌های گسترده بر شرکت‌های فناوری بزرگ است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۶: ۷۸).

نقد

(الف) این دیدگاه انسان را موجودی منفعل و بدون قدرت اراده در نظر گرفته که تحت تأثیر شرکت‌های بزرگ قرار داشته و هویت او به راحتی توسط فضای مجازی دست‌کاری می‌شود. درحالی‌که نقش مردم در الگوریتم سازی فضای مجازی و اطلاعات رسانه بسیار مهم است.

(ب) فضای مجازی دارای ماهیت ذاتی منفی نیست، بلکه نحوه بهره‌گیری از آن است که می‌تواند منجر به پیامدهای مختلف فردی و اجتماعی شود. حذف کامل فضای مجازی از زندگی فردی و اجتماعی غیرممکن بوده و این فضا به دلیل داشتن کارکردهای مثبت متعدد، به عنوان یکی از عناصر تأثیرگذار در زیست روزمره جوامع معاصر تلقی می‌شود؛ بنابراین، راهکار مناسب مقابله با چالش‌های این فضا، مدیریت و نظارت بهینه بر فعالیت‌های آن است. استفاده صحیح و هدفمند از فضای دیجیتال می‌تواند زمینه‌های گسترده‌ای برای پیشرفت فردی و اجتماعی فراهم کند. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی فرصت‌های جدیدی را در حوزه‌های آموزش، تجارت الکترونیک، ارتباطات، مشاوره آنلاین، کاهش مصرف منابع کاغذی، توسعه مهارت‌های فردی و غیره فراهم کرده‌اند. از دیگر مزایای قابل توجه فضای مجازی می‌توان به دسترسی آسان و سریع به اطلاعات، افزایش مشارکت شهروندی از طریق فضاهای تعاملی، ارتقاء آگاهی عمومی، گسترش فرصت‌های شغلی در حوزه دیجیتال، تسهیل فرآیندهای دولت الکترونیک، افزایش انعطاف‌پذیری در کار و تحصیل (مانند دورکاری و یادگیری مجازی) و تقویت ارتباطات بین‌المللی اشاره کرد.

لذا، با طراحی استراتژی‌های مناسب نظارتی و آموزشی، می‌توان از اثرات منفی این فضا جلوگیری کرده و بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های آن را در خدمت توسعه پایدار فردی و اجتماعی فراهم کرد.

نتیجه‌گیری

حاکمیت بر فضای مجازی مسئله پیچیده‌ای است در این مقاله بیان شد گروهی موافق با حذف یا اعمال محدودیت‌های بسیار بر این فضا بوده و گروه دیگر برای حفظ نظم خواستار لغو هرگونه پالایش بر فضای مجازی هستند. فضای مجازی در عین مزایا، معایبی هم دارد. انتقادات تضادگرایان از یک‌جهت به نفع جامعه بوده؛ چراکه پیامدهای آزادی بی‌قید و شرط فضای مجازی را در جامعه بیان می‌کند. حاکمیت بر فضای مجازی از جهاتی بسیار مهم است؛ و نمی‌توان مردم را در آن فضا به حال خود وا گذاشت. ما در حال حاضر در دنیایی هستیم که در آن داده‌های کاربران به‌عنوان منبع خام استخراج می‌شوند. شرکت‌ها این داده‌ها را تحلیل کرده و از آن برای پیش‌بینی رفتار استفاده می‌کنند. نظام سرمایه‌داری نیز به دنبال همین مسئله یعنی کنترل رفتار است. لذا فضای دیجیتال اهمیتی بسیاری پیدا می‌کند. در این فضای دیجیتال مردم به‌جای داشتن هویت ملی به کاربران یک شبکه جهانی تبدیل می‌شوند.

در دوران جدید، کشورهای ضعیف‌تر به مستعمره‌های داده محور شرکت‌های بزرگ تبدیل شده و استقلال خود را از دست می‌دهند. داده‌های شخصی به‌طور مداوم جمع‌آوری و تجزیه تحلیل می‌شود. حریم خصوصی به کالایی در دست شرکت‌ها تبدیل شده و فرد از ذائقه تا عشق و نفرتش را از این فضا دریافت می‌کند. در چنین فضایی هویت دیجیتال جایگزین هویت ملی می‌شود؛ بنابراین حفظ داده‌های هر کشور اهمیت اساسی دارد و باید مدیریت صحیح بر آن صورت گیرد. مراد از این قضیه حذف شبکه‌های اجتماعی نیست بلکه نظارت صحیح بر آن است. ما بر فضای مجازی حاکم هستیم اما حکمران نیستیم. این جمله بدین معناست که باینکه دولت حق تصمیم‌گیری را دارد اما حاکمیت و نظارت صحیح بر شبکه‌های اجتماعی اعمال نمی‌شود. درحالی‌که هر کشوری وظیفه حفاظت از حریم خصوصی مردم خود را دارد. در ارتباط با نظارت بر فضای مجازی چند راهکار پیشنهاد می‌گردد:

پیشنهادهای

مدیریت در سطح خرد

خانواده به‌عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، نقش محوری در شکل‌دهی به الگوهای فرهنگی و رفتاری فرزندان ایفا می‌کند. نظارت والدین بر میزان و نوع استفاده فرزندان از فضای مجازی، به‌عنوان یک محیط فرهنگی پیچیده و پویا، از اهمیت بسزایی برخوردار است. اعمال

محدودیت‌هایی نظیر استفاده از نرم‌افزارهای کنترل والدین، تعیین ساعات مشخص برای استفاده از دستگاه‌های دیجیتال و مدیریت میزان مصرف داده، می‌تواند به‌عنوان راهبردهایی مؤثر در جهت شکل‌دهی به یک فرهنگ استفاده سالم و مسئولانه از فضای دیجیتال در بین کودکان و نوجوانان تلقی شود. این اقدامات نه تنها به کاهش خطرات ناشی از استفاده بی‌رویه از فضای مجازی کمک می‌کند، بلکه به رشد مهارت‌های دیجیتال و استفاده بهینه از این فناوری در جهت توسعه فردی و اجتماعی فرزندان نیز کمک شایانی خواهد کرد.

مدیریت در سطح میانه

مدارس به‌عنوان نهادهای آموزشی و تربیتی، نقش محوری در شکل‌دهی به گفتمان عمومی پیرامون موضوعات نوظهور نظیر حفاظت از داده‌ها ایفا می‌کنند. آگاهی‌بخشی به دانش‌آموزان در خصوص اهمیت حفظ داده‌ها و تبعات ناشی از عدم توجه به آن، از طریق برنامه‌های آموزشی منسجم و هدفمند، امری ضروری است. در این راستا، تالیف کتاب‌های درسی با رویکرد سواد رسانه‌ای گام مثبتی به شمار می‌رود؛ اما برای تحقق این هدف، تربیت نیروی انسانی متخصص و آموزش معلمان به‌صورت تخصصی در حوزه سواد رسانه‌ای و فضای مجازی، از اهمیت بالایی برخوردار است. این امر مستلزم طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی مدون و کارآمد برای معلمان است تا بتوانند به‌عنوان تسهیلگرانی مؤثر، دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری و درک مفاهیم پیچیده مرتبط با حفاظت از داده‌ها یاری نمایند.

مدیریت در سطح کلان

استفاده از فناوری‌های بومی در صیانت از فضای مجازی بسیار اهمیت دارد. بسترسازی لازم جهت استفاده از موتور جست‌وجوی داخلی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی ملی ازجمله عوامل مهم در این زمینه است.

استقرار فایروال به‌عنوان یک لایه امنیتی مؤثر، می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی از رخداد حوادث سایبری نظیر نفوذ غیرمجاز و افشای اطلاعات حساس جلوگیری نماید. این فناوری با اعمال مکانیزم‌های فیلترینگ و پایش دقیق ترافیک شبکه، مانع از ورود و خروج داده‌های مخرب شده و سطح ایمنی سیستم‌ها را ارتقا می‌بخشد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Narges Sheykhali pour • <https://orcid.org/0009-0007-2711-4592>

منابع و مأخذ

- بیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ چهارم، انتشارات کیهان.
- جهانبین، سید عبدالله و علی اکبر گرجی ازندریانی (۱۳۹۸). چیستی هنجار در ساحت نظم اجتماعی و نظم حقوقی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۹ (۳)، ۷۷۷-۸۰۰. jpls.q.2017.213646.1325/10.22059
- حاجی ده آبادی، محمدعلی، سلیمی، احسان، بزهکاری و بزه دیدگی بومی‌های اینترنت: از علت شناسی تا پاسخ‌دهی در پارادایم ترمیمی، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۱۴ (۱)، ۴۱-۶۳. jqclcs.2019.73346/10.22059
- حسینی قلعه بهمن، سید اکبر (۱۴۰۲). مبانی انسان‌شناختی حکومت دینی، فصلنامه مهدویت، سال ۱۷ شماره ۶۹، ۱۳۳-۱۵۷.
- خجیر، یوسف و ساناز خانقشلاقی (۱۴۰۲). بازنمایی زیست مجازی کودکان اینفلوئنسرها در اینستاگرام، فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، ۳۵ (۳)، ۱۵۵-۱۸۳. bmisp.2024.419625.1948/10.22034
- درستانی، مریم و مهدی روحانی (۱۳۹۳). پدیده جدید فضای مجازی در ایران از دیدگاه کارشناسان ارتباطات، مطالعات رسانه‌ای، ۹ (۲۶)، ۵۳-۶۸.
- رحمتی، فاطمه و جواد، طاهری (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی دیدگاه تربیتی جلال‌الدین محمدبلخی و مارتین هایدگر، فصلنامه علوم رفتاری، ۲۱، ۱۱۱-۱۳۲.
- سرکاراتی، فاطمه و رضا علی پور (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی تراژدی ارسطو و آثار نقاشی کاراوادجو بر مبنای نظریه کاتارسیس. باغ نظر، ۱۹ (۱۰۸)، ۶۹-۸۰. bagh.2022.292967.4926/10.22034
- شوشانا زوبوف (۱۴۰۳). عصر سرمایه‌داری نظارتی، ترجمه احسان شاه قاسمی، چاپ اول، نشر علمی و فرهنگی.
- طالبان، محمدرضا (۱۴۰۲). آزمون بین‌کشوری بسیج منابع، دوفصلنامه انقلاب پژوهی، ۱ (۱)، ۱۶۲-۱۸۶.
- طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۸۰). حقوق اساسی، چاپ بیستم، تهران، انتشارات میزان.
- عباسی، کبری (۱۴۰۲). گرداب مجازی: نگاهی به جنبه‌های منفی استفاده از فضای مجازی، رشد آموزش مشاور مدرسه، ۱۸ (۶۵)، ۱۷-۲۱.
- گیلانی موثقی، احمد، بهروز عطارزاده (۱۳۹۱). تأثیر فضای مجازی بر جنبش‌های اجتماعی؛ مطالعه موردی مصر، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۷ (۳)، ۱۴۷-۱۹۷.
- مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۹). نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، چاپ اول، تهران: نشر همشهری.

Bell David (2001) An introduction to cyberculture.USA, Routledge

- Bishop, B. (2008). *The big sort: Why the clustering of like-minded America is tearing us apart*. Houghton Mifflin Harcourt
- Pearc, W. Barnett & Stephen W. Littlejohn (1997) *Monal conflicts; When social world collide*, California: Sage publication.
- Lewiki, Roy J. Stephen E. Weiss and David Lewis (1992) ``models of conflict, Negotiation and Third party Intervention; A review and synthesis``, *Journal of orJanizational Behaviour*, 13 (3); 209-252.
- Le Bon, G. (1895). *The Crowd: A Study of the Popular Mind*
- Lanier, J. (2018). *Ten arguments for deleting your social media accounts right now*. Henry Holt and Company.
- Biro, A. (1996). Farhang-e Olum-e Ejtemai [Dictionary of Social Sciences] (B. Saroukhani, Trans., 4th ed.). *Kayhan Publications*. (Original work published 1995) **[in Persian]**
- Shoshana Zuboff. (2024). Asr-e Sarmayeh-dari-ye Nazari [The Age of Surveillance Capitalism] (E. Shahghasemi, Trans.). *Elmi va Farhangi Publications*. (Original work published 2019) **[in Persian]**
- Moezzin Tabatabai Motameni, M. (2001). Hoquq-e Asasi [Constitutional Law] (20th ed.). *Mizan Publications*. **[in Persian]**
- Mehdi-Zadeh, S. M. (2010). Nazariyeh-haye Resaneh: Andisheh-haye Rayej va Didgah-haye Enteqadi [Media Theories: Dominant Discourses and Critical Perspectives]. *Hamshahri Publications*. **[in Persian]**
- Jahangiri, S. A., & Gorji Azandaryani, A. A. (2019). Chisti-ye Hokm dar Sahat-e Nazm-e Ejtemai va Nazm-e Hoquqi [The Nature of Norms in the Realm of Social Order and Legal Order]. *Public Law Studies Quarterly*, 49 (3), 777-800. **[in Persian]**
- Haji Dehabadi, M. A., & Salimi, E. (2023). Bozhekari va Bozheh Didgi-ye Bumi-ha-ye Internet: Az Elat-shenasi ta Pasokh-dehi dar Paradim-e Tarmimi [Cybercrime and Victimization of Digital Natives: From Etiology to Restorative Justice Responses]. *Criminal Law and Criminology Studies*, 14 (1), 41-63. **[in Persian]**
- Hosseini Ghaleh Bahman, S. A. (2023). Mabani-ye Ensan-shenakhti-ye Hokumat-e Dini [Anthropological Foundations of Religious Governance]. *Mahdaviyat Quarterly*, 17 (69), 133-157. **[in Persian]**
- Khajir, Y., & Khanqashlaqi, S. (2023). Baznama-yi Zist-e Majazi-ye Koodakan-e Influencer-ha dar Instagram [The Representation of Virtual Life of Child Influencers on Instagram]. *Media Studies and Research Quarterly*, 35 (3), 155-183. 10.22034/bmsp.2024.419625.1948 **[in Persian]**
- Dorostani, M., & Rouhani, M. (2014). Padideh-ye Jadid-e Fazaye Majazi dar Iran az Didgah-e Karshenasan-e Ertebatat [The New Phenomenon of Cyberspace in Iran from Communication Experts' Perspective]. *Media Studies*, 9 (26), 53-68. **[in Persian]**
- Rahmati, F., & Taheri, J. (2014). Barrasi-ye Tatbiqi-ye Didgah-e Tarbiyati-ye Jalal al-Din Mohammad Balkhi va Martin Heidegger [A Comparative Study of the Educational Views of Rumi and Martin Heidegger]. *Behavioral Sciences Quarterly*, 21, 111-132. **[in Persian]**

- Sarkarati, F., & Alipour, R. (2022). Barrasi-ye Tatbiqi-ye Tragedi-ye Arastu va Asar-e Naghashi-ye Caravaggio bar Mabna-ye Nazariye-ye Katharsis [A Comparative Study of Aristotle's Tragedy and Caravaggio's Paintings Based on Catharsis Theory]. *Bagh-e Nazar*, 19 (108), 69-80. 10.22034/BAGH.2022.292967.4926 [in Persian]
- Taleban, M. R. (2023). Azmoun-e Beyn-e Keshavari-ye Basij-e Manabe' [Cross-National Test of Resource Mobilization]. *Revolution Studies Biannual*, 1 (1), 162-186. 10.22034/FADEMO.2023.387304.1000 [in Persian]
- Abbasi, K. (2023). Gerdab-e Majazi: Negahi be Jebhe-ha-ye Manfi-ye Estefadeh az Fazaye Majazi [The Virtual Whirlpool: A Look at the Negative Aspects of Cyberspace]. *Growth of School Counseling Education*, 18 (65), 17-21. [in Persian]
- Gilani Mousavi, A., & Attarzadeh, B. (2012). Tasir-e Fazaye Majazi bar Jonbesh-ha-ye Ejtemai; Motale'e-ye Moredi-ye Mesr [The Impact of Cyberspace on Social Movements: The Case of Egypt]. *Political Science Research Journal*, 7 (3), 147-197. [in Persian]



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

